

مبارزات سیاسی

روحانیت و مرجعیت شیعه

۱



آیت الله حاج ملا علی کنی

موسی نجفی اصفهانی

بیش از یک قرن از ارتحال یکی از بزرگترین فقهای تاریخ ساز و در عین حال ناشناخته عالم تشیع، مرحوم آیت الله العظمی حاج ملا علی (اعلی الله مقامه) می گذرد، با اینکه وی مجتهد بزرگ تهران در زمان خود بوده است، ولی نام و سیمای تلاشگر و فداکارش همانند دیگر رجال اسلامی و ملت خواه توسط مورخین جهت یافته (عمداً یا به حسب طبع آن عده) در نوشته های آمیخته با تحویفشان، فراموش شده و یا کم بهاء جلوه داده شده است و بدون تردید یکی از رسالت های خطیر مورخین بی طرف و حقیقت جو و محققین ریشه های تاریخی انقلاب اسلامی و جنبش های مؤثر در تاریخ ایران، همین توجه عمیق و دقیق در ابعاد خاص (به خصوص سیاسی) و عملکردهای سیاسی - اجتماعی، این محور مرکز ثقل مبارزات پایتخت، می باشد.

از آنجا که ما در پی یادی هر چند کوتاه از داستان بلند زندگی آن بزرگ مرد هستیم، به اجمال و اختصار به شرح زندگی و مبارزات آن فقیه و مجتهد نامدار و آگاه به عصرش می پردازیم تا اندکی از دین خود و امت اسلامی رانست به ایشان تأدیه کنیم، امیدواریم در آینده نه چندان دور، شخصیت های اسلامی، مردمی و ملت خواه، در هر لباس و عنوانی، در جایگاه تاریخی و ارزشی خویش و بدور از جار و جنجال های معمول در بازار آشفته تاریخ و تاریخ نویسان، مطرح و بررسی شوند. (انشاء الله)

مرحوم حاج ملا علی کنی (ره) در سال ۱۲۲۰ ق، در قریه کُن، از توابع تهران متولد شد، مرحوم معلم حبیب آبادی در کتاب «مکارم الآثار» (ج ۳ ص ۶۹۶) نقل می‌کند که:

مرحوم کنی در اوان کودکی به سعی و اهتمام و التماس خود به جانب معلم رفته و در اندک مدتی از آن بی نیاز گردید و اصراری سخت در دخول در علوم عربیت و ادبیت نمود و تالیست سال، کسانش او را از آن باز می‌داشتند تا به دعوات شافیه و شفعا کافیه، پس از بیست سال، اسباب آن برایش فراهم شد و پس از چندی توفیق مجاورت عتبات عالیات را یافت و بدان روضات با برکات شتافت و از فیض سکونت آن خاک پاک، علوم شرعیه را در خلعت مرحوم صاحب جواهر و مرحوم شیخ مرتضی انصاری تحصیل و تکمیل نمود و به تألیف مباحث اصول مشغول شد و نوشته جاتی سودمند، در بیشتری از مسائل اوامرو نواهی و مفاهیم و استصحاب در رساله ای مستقل از او نمودار گردید، بلکه از آن فن جز اندکی باقی نمانده بود که در سال (۱۳۴۴ ق) طاعونی سخت در عراق عرب پیدا شد که تقریباً تا دو سال امتداد داشت و بدین سبب و اسبابی دیگر، مانند دیگران و علماء، از اشتغال کناره گرفت و تا دو سال زیادت در سفرها به سرآورد تا دوباره توفیق زیارت آن اراضی مقدسه را یافت و چون وفات علماء و فقدان رجال و قرب اجل و انقطاع آمال را مشاهده نمود، مشغول به تألیف فقه گردید و از بابت عدم کتب و اسباب لازمه، آن را به ترتیب معهود نمی‌نوشت، بلکه در هرجا پس از جهد بلیغ، آنچه محتاج الیه آن محل بود، تألیف می‌کرد و چندین رساله در ابواب متفرقه پرداخت، تا اینکه در سنه ۱۲۶۲ قمری توفیق سفر زیارت حضرت امام رضا (علیه السلام) و ضمناً زیارت پدر خود و سایر ارحام را در تهران یافت و در آن شهر ساکن شد و به خواست خدای تبارک و تعالی ریاستی شایان و تمولی بی پایان به هم رسانید، تألیفات وی عبارتند از: اول: رساله ای در اصول، دوم: کتابی در طهارت، سوم: کتابی در نماز، چهارم: کتابی در بیع، پنجم: کتاب تحقیق الدلائل در شرح «تلخیص الرسائل»، که آن هم از خود او است و در سنه ۱۲۵۹، از آن فارغ شد.

در الذریعه، اصل تلخیص در جلد ۴ صفحه ۴۲۷ شماره ۱۸۹۴ ذکر شده و در جلد ۳ صفحه ۴۸۲ شماره ۱۷۸۹ نیز از تحقیق الدلائل یاد شده و در آن می‌فرماید: فقط شرح کتاب طهارت و کتاب نماز و کتاب احکام عقود و خیارات و کتاب فضاء و شهادت از این کتاب از مسوده خارج شده و از اینها هم کتاب طهارت چاپ نشده و بقیه در جلدی

بزرگ در سنه ۱۳۰۴ چاپ شده و معروف به کتاب فضاء می باشد و باتفاق کسانی که ما آنها را دریافتیم، آن ادق و امتن از جواهر می باشد.

ششم: کتاب توضیح المقال که در علم داریه است و دارای بسی از مطالب سودمند و تقریباً بهترین کتابی است که در این فن، تالیف یا دیده شده و آن را در سنه ۱۲۶۲ تالیف کرده و در انتهای آن نام شخصیت تن از علمانی را که در رجال و درایه کتاب دارند، نوشته که همان سال با کتاب منتهی المقال چاپ شده و در سنه ۱۳۰۰ که بار دیگر کتاب منتهی را چاپ کرده اند، نام شخصیت تن دیگر را بر آن اضافه نموده، که فی الجمله نام صدوبیست نفر از علماء رجال و درایه که در آن دو فن صاحب کتاب هستند، در آن گرد آمده است، و اساتید وی [مرحوم آیه الله ملا علی کنی] صاحب ضوابط و صاحب جواهر بوده اند و از جمله شاگردانش مرحوم حاج میرزا حسین نائب الصدرو ملا محمد علی خوانساری می باشند.

عملکرد سیاسی - اجتماعی مرحوم حاج ملا علی کنی

مرحوم حاج ملا علی کنی از لحاظ سیاسی به نحوی رفتار و سلوک منی نمود که توانست علیرغم شرائط آن زمان و محدودیت امکانات علماء در مقابل دستگاه حاکمه، قاجارها را به نحوه مؤثری تحلیل کرده و تحت فشار گذارد، لکن خطر دو قدرت روس و انگلیس و رقابت خرد کننده آنها در ایران به حدی بود که ایشان را ناچار به پیروی از سیاستی خاص و بعضاً نصیحت و قدرت بخشیدن به دولت ایران در مقابل فشار آن دو قدرت خارجی، گرداند و در همان حال می کوشید تا قدرت دولت در مقابل مردم را محدود و حتی الامکان از مردم، رفع ظلم نماید و هرگاه اولیای امور و یا شخص ناصرالدین شاه اغفال یا تطمیع شده و قسمتی از ثروت ملت ایران را (که در حقیقت جزئی از استقلال و حاکمیت مردم محسوب می شد) به اجانب واگذار می کرد، اولین صدای اعتراض و حرکت عصیان آلود از آن مرحوم بود و بقدری به شاه فشار وارد می کرد که وی را وادار به لغو قرارداد یا امتیاز نامه می نمود، چنانکه در مورد قرارداد ننگین و ایران برباد ده «رویترا» رخ داد و آن مرحوم در نامه شدید اللحنی که نشانی از عمق بینش سیاسی و قاطعیت و جسارت و قدرت روحی او دارد، شاه را سخت نکوهش کرده و بر لغو امتیاز پای می فشارد.

قبل از ذکر این نام نامه بجا است که به مفاد این قرارداد و نتایج خاتمان برانداز

آن برداریم تا بیشتر به عظمت خدمت مرحوم آیه الله حاج ملا علی کنی در رابطه با لغو آن، پی ببریم.

قرار داد رویترا با دسیسه ها و رهنمودهای صدراعظم انگلوفیل ایران «میرزا حسین خان معروف به سپهسالار» شکل گرفت، مطابق این امتیاز از طرف ناصرالدین شاه، تمامی منابع ثروت ایران به یکی از اتباع انگلستان به نام «بارون ژولیوس رویترا» تفویض شد (آن هم به نام «ترقی دادن به ایران»!) (؟) این امتیاز نامه در ۲۵ ژوئیه ۱۸۷۲ به امضاء رسید و شامل ۲۴ فصل به شرح زیر می باشد:

۱- دولت ایران به بارون رویترا اجازه واختر می دهد که در فرنگستان به هر

اسم و با هر شرایطی که مناسب بداند یک یا چند کمپانی جهت اقدام به اموری که در این امتیاز نامه مصرح است، تشکیل دهد.

۲- دولت ایران امتیاز انحصاری ایجاد راه آهن از بحر خزر تا خلیج فارس را به بارون رویترا اعطا می نماید همچنین رویترا می تواند رشته های دیگر راه آهن را خواه به جهت اتصال به خطوط آهن کشورهای هم جوار و خواه به صورت خطوط فرعی در داخل خاک ایران دائر نموده به کار اندازد.

۳- دولت ایران حق انحصاری ایجاد و به کار اندازی تراموای را نیز در کلیه نقاطی که رویترا مناسب بداند به او تفویض می نماید.

۴- دولت ایران اراضی خالصه را که مورد احتیاج رویترا باشد، مجاناً به او واگذار خواهد نمود و در مورد اراضی متعلق به اشخاص نیز ترتیبی داده خواهد شد که اراضی مورد احتیاج جهت ساختمان راه آهن و ابنیه و منازل و غیره، به قیمت عادله، به کمپانی رویترا فروخته شود.

۵- کمپانی می تواند مصالح مورد نیاز خود، از قبیل سنگ و خاک و غیره را مجاناً از اراضی خالصه بردارد.

۶- کمپانی از پرداخت حقوق و عوارض گمرکی و عوارض راهداری و غیره معاف می باشد، و همچنین مأمورین و عمال کمپانی از پرداخت هر نوع مالیات و عوارض معاف خواهند شد.

۷- طرز ساختن راه آهن و موعد تحویل و بهره برداری از آن به موجب موافقت نامه ای جداگانه با تراضی طرفین، تعیین خواهد شد.

۸- در تاریخ امضاء این قرار داد، کمپانی مبلغ چهل هزار لیره انگلیسی

به نام دولت ایران در بانک انگلستان تودیع خواهد نمود، چنانچه ظرف پانزده ماه از این تاریخ، کمپانی شروع به کار ننماید، ودیعه مزبور به نفع دولت ایران ضبط خواهد شد، مگر در صورتی که موانع غیر قابل اجتناب، مانع شروع کار کمپانی شده باشد.

۹ - بیست درصد از منافع خالص راه آهن سهم دولت ایران است که از طرف کمپانی به دولت پرداخته خواهد شد.

۱۰ - چنانچه طرفین در خاتمه امتیاز (هفتاد سال) ترتیب دیگری برای اداره راه آهن ندهند، کلیه خطوط آهن و ابنیه و تأسیسات آن متعلق به دولت ایران خواهد بود و کمپانی از این بابت حق مطالبه عوضی نخواهد داشت.

۱۱ - دولت ایران به کمپانی حق و امتیاز انحصاری بهره برداری و استخراج معادن ذغال سنگ، آهن، مس، سرب، نفت و بطور کلی هر معدن دیگر را که قابل بهره برداری برای کمپانی باشد، برای تمام مدت این قرارداد می دهد، به استثناء معادن متعلق به اشخاص و همچنین معادن طلا و نقره و احجار کریمه که بهره برداری از آنها به موجب قراردادهای جداگانه خواهد بود. زمین معادنی که بوسیله کمپانی کشف می شود به قیمت متعارف و عادلانه از طرف کمپانی خریداری خواهد شد. در صورت لزوم، دولت، صاحبان این اراضی را مجبور به فروش زمین خود به کمپانی خواهد نمود.

۱۲ - صدی پانزده سود خالص معادنی که به وسیله کمپانی مورد بهره برداری قرار می گیرد، متعلق به دولت ایران خواهد بود.

۱۳ - جهت استخراج معادن نیز کمپانی از تسهیلات پیش بینی شده در فصول ۴ و ۶ استفاده خواهد نمود و در خاتمه مدت امتیاز، به ترتیب مذکور در فصل دهم، معادن مزبور به دولت ایران تعلق خواهد داشت.

۱۴ - امتیاز و استفاده و بهره برداری انحصاری از جنگلهای ایران نیز به کمپانی داده می شود و صدی پانزده از منافع خالص جنگلها، متعلق به دولت ایران خواهد بود.

۱ - این ماده قرارداد به خوبی از بی اطلاعی شدید زمامداران نسبت به اوضاع جهان، برده بردارد، آنها گمان می کردند، فقط معادن طلا و نقره با ارزش است و لذا آن را استثناء کردند، البته با ذکر قید و گذاشتن مقر.

۱۵ - کمپانی می تواند در تمام مدت امتیاز در هر نقطه کشور که صلاح و مقتضی بداند، اقدام به حفر چاهها، ساختن سدها و استخرها و کارهای لازم برای جریان آب بنماید، و صدی پانزده از منافع حاصله، متعلق به دولت ایران خواهد بود.

۱۶ - رویتر و شرکاء یا وکلای او مجازند سرمایه اولیه به مبلغ صد و پنجاه میلیون فرانک یا شش میلیون لیره انگلیس، به عنوان سهم شرکت تخصیص داده، اوراق قرضه صادر نمایند، نرخ بهره قرضه و ترتیبات مربوط به آن را خود رویتر و شرکاء تعیین خواهند کرد.

۱۷ - دولت ایران برای هر مبلغ سرمایه که به کار انداخته شده باشد، سودی به میزان صدی پنج در سال تضمین می کند و علاوه بر آن صدی دو هم برای ادای سرمایه تخصیص یافته، تضمین می گردد.

۱۸ - تضمین صدی هفت مذکور در فوق، پس از اتمام راه آهن بین رشت و اصفهان عملی خواهد گردید.

۱۹ - دولت ایران اجازه گمرکات ایران را از تاریخ اول مارس ۱۸۷۴ به مدت ۲۵ سال به رویتر واگذار می نماید، مشروط بر اینکه در پنج سال اول علاوه بر عایدات فعلی، مبلغ پانصد هزار فرانک یا بیست هزار لیره انگلیس در سال به دولت پرداخت شود و از ابتدای سال ششم به بعد به جای مبلغ فوق الذکر، شصت درصد عایدات خالص علاوه بر قیمت اجاره، به دولت پرداخت شود.

۲۰ - در صورتی که بعدها دولت ایران تصمیم به اعطاء امتیاز بانک یا مؤسسه اعتباری دیگری، از هر قبیل، اتخاذ نماید حق تقدم جهت رویتر محفوظ بوده و این امتیاز به او داده خواهد شد.

۲۱ - در صورتی که دولت ایران مصمم به دادن امتیاز یا ارجاع اموری از قبیل تهیه و توزیع گاز، فرش کوچه ها، تزئین پایتخت و ایجاد راهها، چاپارخانه ها، تلگراف خانه ها، آسیابها و کارخانجات به اشخاص گردد، رویتر حق تقدم داشته، می تواند این امور را خود به عهده بگیرد.

۲۲ - رویتر حق انتقال حقوق و مزایای حاصله از این قرارداد را به غیر داشته و می تواند تمام یا قسمتی از آنها را به اشخاص طبیعی یا حقوقی دیگر واگذار نماید یا بفروشد و اشخاص مزبور عیناً همان تعهدات را به عهده خواهند

داشت.

۲۳ - صاحب امتیاز تمهد می نماید ساختمان راه آهن و بهره برداری از معادن و آبها و جنگلها را به موازات یکدیگر شروع و بنا حداکثر سرعت ادامه دهد و دولت ایران متعهد است به تعداد کافی کارگر با مزد متعارف و متداول در اختیار کمپانی بگذارد و همچنین هر تصمیمی جهت حفظ امنیت و پیشرفت برنامه های کمپانی لازم باشد، اتخاذ نماید.

۲۴ - این امتیاز به زبان فارسی ترجمه خواهد شد، اما در صورتی که اختلاف نظری بین طرفین ایجاد شود، فقط متن فرائسه آن سندیت خواهد داشت.

این قرارداد به امضاء شاه و میرزا حسین خان سپهسالار رسید و چند تن از وزراء و رجال دیگر نیز آن را امضاء و تصدیق نمودند.

شاید تصور میزان بی کفایتی و یا فریب خوردگی چنان دولتی مشکل باشد که این چنین، تمامی منافع و منابع ثروت ملت خود را برای دهها سال کاملاً در اختیار بیگانگان گذارد، ولی در تاریخ ایران و بخصوص در کارنامه سیاه سیاسی سلسله قاجار از این گونه امور زیاد اتفاق افتاده و جای تعجب نیست.

اینجا است که به ارزش تلاشها و زحمات فراوان امثال حاج ملا علی کنی در رفع چنین قراردادهای اسارت باری با توجه به محدودیت امکاناتشان، پی می بریم و باید به این زحمات که در واقع در عداد انقلاب ارزشهاست، ارج نهیم، پس تجلیل از مقام بلند امثال آن فقید - که در حقیقت از استقلال کشور و سلامت دین دفاع می کردند - تجلیل از ارزشهای اسلامی است و همین تلاشهای پراکنده ولی ممتد و آگاهانه بود که بر روی هم جمع شده و مجموعاً کشوری به نام ایران را در صفحات تاریخ از گزند حوادث نابود کننده حفظ کرده و موجب بقاء آن شده و به همین علت هم این کشور، هیچگاه به صورت مستعمره رسمی دول استعمارگر در نیامد و این خود افتخاری تاریخی برای کشور شرقی است. نامه اعتراض آمیز و آگاهانه مرحوم آیه الله کنی به شاه نیز حکایت از مشخصه ای تاریخی در مرجعیت و روحانیت شیعه می کند و آن قدرت درک و تیزبینی مراجع شیعه در تشخیص خطوط نامرئی اسارت ملتها می باشد، قسمتی از آن نامه را از کتاب «عصر بی خبری» نقل می کنیم:

... برای ما این اوقات از راه محکم دیگری که خیلی محکم تر و واضح تر و شدیدتر است، در همان خیالات افتاد که احداث راه آهن بفرمائید با شروط و تعهدات و

موثیق چندی، از قرار مسموع و مکتوب در عهدنامه، آنکه جمیع خلق مجبور بر تسلیم اموال و ملاک خود باشند از قبیل جنگلها و معادن و قنوت، بلکه سلطان با اقتدار نیز در این اجبار داخل باشند که املاک خالصه و زر خریدی و معادن و رودخانه‌ها را بتوانند به اجبار ببرند، به حدی که اگر پس از زمانی دولت بخواهد رفع آنها را بکند، جمیع نقود خزانه عامره و نقود اجناس متداوله موجوده در دست رعایا، بآداء تاوان و زیان آن ننماید و اگر جسارت نباشد گوینده را می‌رسد که بگوید و بپرسد دولت را چه تسلط است بر املاک و اشجار و آب و اراضی رعایا که حتماً بفروشند؟ گمان ندارم در شرع خود، بلکه سایر ادیان، تجویز این قسم اجبارها شده باشد، مسموع شد از آن شخص فرانسوی که در جنگ مرو اسیر شده بود و امپراطور آن دولت به اهتمام که به قیمت تمام آلف و آلف در خریداری و استرداد او مصرف داشت، او گفته بود که مقام عدل و مهربانی دولت ما بحدی است که با این همه التفات و در حقیقت خریداری من، حق این را ندارند بگویند چرا دستکش دست چپ را به دست راست کرده‌ای، کمپانی هند تمام هند با آن وسعت و مکننت را به خریداری و تملک یک جریب زمین مخصوص سکونت خود، برد، کمپانی معاصر ما با تصرف آن همه اراضی متعلقه به راه آهن استحقاق انتفاع جمیع معادن و رودخانه‌ها و اراضی باحق بکار و داشتن جمیع کارکنان از رعایا، چگونه ایران را نبرد و چرا نبرد؟ خوب پس از آنکه رعایا به رضایا به حکم، کارکنان ایشان شدند و ازدادن منال دیوانی معاف ماندند، آیا به خزانه عامره از کجا و کدام مالیات و کدام نسق از زراعات چیزی بیاید؟ یا این طورها در عهدنامه نیست و یا هست و نخواهد و باید به مال کار برنخورده‌اید اگر خدای نخواسته کار ما لازم افتد دفع طغیان و تعدی همجوار با اقتداری را از سرحدات خود نمائیم اولاً: با کدام مال که عرض شد کذلک با کدام رجال حکم جنگ به کدام فوجی داده شود که موجب و جیره چند چند سباله ایشان نرسیده و هر چند فوجی که هستند در بستند و اگر مایوس شده در خیال اجماع و بلوایر آمده باشیم کدام عالم محترم مسموع الکلام مانده با هجوم عموم فرنگیان در بلاد ایران از راه آهن، کدام عالمی در ایران خواهد ماند و اگر بماند جانی و نفسی داشته باشد که یک دفعه وادینا و املتا بگوید، اما جناب میرزا ملکم خان یا سرکار کمپانی با این همه اموال و این همه رجال و داشتن راهی به این سهل به بلاد عظیمه ایران بخصوص به پایتخت، سلطنت و دولت، به کدام قلب و اطمینان، چه اطمینان داریم که در طول یک ساعت پرنکنند اطراف ما را از رجال و توپ و تفنگ و غافل گیر نشویم، زیاده جسارت نمی‌شود، مجال هم نیست اما

اعلیحضرت شاهنشاهی را به باطن همان عنصری که محل و مظهر اقتدار و سلطنت ایشان می باشد قسم می دهم که اهتمام بر حفظ دین و دولت و دفع هر خائن از مملکت و ملت بفرمائید بخصوص همین شخصی را که قرار راه آهن داده و عهدنامه آن را بروفق صلاح دشمن دین و دولت نوشته، بدون اینکه از عقلاء و خیرخواهان دولت اجازت و مشورتی نماید.

مرحوم حاج ملا علی کنی، در مبارزه با فراماسونری:

در دوره عمومیت نفوذ کلام مرحوم کنی، آوازه و افکار «ملکم»، هوش از سر بسیاری اشخاص ساده لوح برده و آنها را فریفته ظاهر شعارهای زیبایش نموده بود، در اوائل کار، خود ناصرالدین شاه نیز علاقه و ارادتی نسبت به او پیدا نمود، ولی نهایتاً اقتضاحات سیاسی - مالی «ملکم» آنقدر بالا گرفت و حرص و ولع زیاد او برای منافع شخصی و خود فروختگی او به هر مستبد و استعمار انگلیسی به قدری معلوم و منفور مردم گردید که نقاب زیبا و ظاهر فریبت کنار رفته و از پنهان داشتن ماهیت واقعی، عاجز ماند، ملکم خان نه به قانون (چه در روزنامه اش و چه درخواست و ادعایش) اعتقادی داشت و نه به آزادی و استقلال کشورش، و اعمال و کردارش چهره ای کریمه و تاریک از او ترسیم کرده است و استاد فراوانی در مورد صحت این ادعا موجود است، چنانکه در نامه ای می نویسد:

... والله وبالله هر یک از تکالیف را که اشاره بفرمائید قبول خواهم کرد، به همه حالت راضی هستم مگر بیکاری، حتی بیکاری را هم قبول خواهم کرد اما به شرط اینکه اسباب گذران من مهیا باشد اگر بخواهند هم گرسنه باشم و هم بی کار بمانم، این نخواهد شد، من اگر فقط حقه بازی بکنم سالی هفت هشت هزار تومان عاید من می شود، اگر فراموش خانه بر پا کنم، سالی بیست سی هزار تومان مداخل می کنم، اگر روزنامه نویسی بکنم به اصطلاح قدیمی ها هر کس را بخواهم به زانو می اندازم با وصف این، چگونه ممکن است که من خود را زنده دفن کنم؟ ...

اعمال و مقاصد ملکم خان در راستای منافع شخصی خودش بود و گرنه به کلام مقدس آزادی (مدعای خودش) هیچ اعتقاد قلبی نداشت، یکی از دلایل این امر، روابط بسیار خوب و صمیمانه اش با شاهزادگان قاجار بود چنانکه ظل السلطان حاکم مستبد و خونریز اصفهان، خودش را شاگرد او و او را استاد خویش می خواند و ناگفته معلوم است

قانونی/ که با آزادی خواهی امثال ظل السلطان توأم باشد چه بوده و چه ها می کرده است. خوب است برای درک میزان ارتباط ملکم خان با شاهزادگان قاجار و نیز نفوذ وی در کل دستگاه فراماسونری جهانی، به نامه ای که اوئیس میرزا احتشام الدوله پسر فرهاد میرزا، معتمد الدوله نوشته، نظر بیاندازیم:

... اما مخلص حقیقی شما خیال دارم بلکه از مرحمت شما در این سفر [سفر شاهزاده به خارج کشور] یک دو درجه فراموشخانه را ببینم و کاملتر بشوم در خدمت سرکار درجه دوم را تمام کرده به اولی درجه سیم رسیدم، بخمدالله از اهل صحرا بودم، شهری شدم، دو سال تمام عمر کردم و از چشمه سار ثلاث نوشیدم، حالا می گویند باید از رئیس آن لُتر نوشته داشته باشید و بر سر کار که معلوم است خلاف عرض نکرده ام و الحمد لله خلافتی هم در این مدت نکرده ام، دوستانه از شما خواهش می کنم که به هر قسم که صلاح بدانید و رسم است، نوشته مرحمت کنید که در لُتر «برلین» یا «پاریس» یا جایی دیگر که مجال کردم و خواستم بروم، آن نوشته سرکار در دست من باشد که ایراد نگیرند و باید انشاء الله آن نوشته را با مؤده سلامتی خودتان به پست مرحمت بفرمائید که در هولند در شهر لاهه در پست خانه امانت باشد تا این جانب به لاهه که رسیدم از پست خانه مطالبه کنم، دریافت کنم، انشاء الله آن محبت خود را دریغ نخواهید فرمود. مخلص شما سلطان اوئیس میرزا ملقب به احتشام الدوله ابن معتمد الدوله قرهاد میرزا ابن ولیمهد عباس میرزا ابن فتحعلی شاه ظاب الله تراه.

(نقل از مجله بررسیهای تاریخی).

اما در همین زمان که ساده لوحان، فریب شعارهای ملکم خان را خورده و با سطحی نگریهای عمدی یا غیر عمدی (که در تاریخ بشری همیشه بوده است) نمی خواستند یا نمی توانستند کمی از قشر به عمق نفوذ کرده و اول سرنخ و آخر آن را ببینند، و درست در زمانی که حتی برخی شخصیت های مبارز هم چه بطور تصادفی و سیاسی، یا از روی برنامه در کنار ملکم قرار گرفتند، تنها مرحوم آیه الله ملاعلی کنی و فقط او بود که عمق فاجعه و سرنخ و غایت چنین طرز فکری را می دید، این مجتهد شیعی به خوبی می فهمید که رشد آن فراموشخانه ها و تربیت یافتگانش نهایتاً ۱۳ رجب ۱۳۲۷ (روز شهادت شیخ شهید نوری) را به بار می آورد، قرار داد وثوق الدوله را می سازد و توجیه

آن زمانی و سالیان بعدیش را نیز خود تقبل خواهند کرد و رضاخان و فروغی و شریف امامی و صدّها چون او را به صحنه سیاست ایران وارد و نهایتاً فعال مایشاء می‌کند، لذا مرحوم کنی از همان اول با قاطعیت در جلوگیری از این بدعت خطرناک، سخت به فعالیت و تلاش پرداخت و به نظر نویسنده این سطوره، ترور شخصیت مرحوم حاجی کنی در آن زمان و فراموش شدن نامش پس از آن در تواریخ، درست بخاطر همین مبارزه علیه افکار فراموشنوری بوده است.

مرحوم ایشان در نامه ای شدیدالحنّ به ناصرالدین شاه خطر ملکم و عقاید و فراموشخانه او را چنین گوش زد می‌کند:

... عرض می‌شود اگر علمای اعلام در مسائل دولتی اختلالی خدای نخواستہ مشاهده فرمایند و به خاکپای مبارک بر حسب رضای آقا، مخدوم عرض کنند فضولی نکرده بلکه فضول باید کسی باشد که این را فضولی بنامد، بر علماء و غیر علماء لازم است عرض کنند، پسند خاطر مبارک شود یا نشود، در مقام اصلاح آن برآیند یا نیابند، بناء علی ذلک همه ما دعا گویان بلکه عموم اهل ایمان عرض می‌کنیم که شخص میرزا ملکم خان را ما دشمن دین و دولت دانسته ایم و به هیچ وجه صلاحیت و کالت از دولت و سلطنت و انتظام ملک و مملکت ندارد که به خطاب و لقب نظام الملکی مخاطب و ملقب باشد و هرکس باعث این امر شده است، خیانت کلی به دین و دولت نموده است که چنین دشمن جانی را مداخله در کارهای بزرگ دولت داده است، مدت زمانی نگذشته که در دارالخلافه ابراز شعبده‌های زیاد نموده و مجلس فراموشی ترتیب داده بود و به این تزویر و شعبده در خیال تصاحب ملک و دولت و اضمحلال مذهب و ملت بود و الزام موااسات و یک جهتی و هم عهدی که هر یک در پای دیگر در مقام تمام مال و جان بایستند و تا یکی آوازی برآورد همه حاضر و ناظر باشند و در وقت اجراء شروط و فرصت و جمیع اسباب نهضت و حرکت، همگی یکدفعه حمله ور شوند و بر غیر هرکه باشد بتازند و هر چه بخواهند بگیرند و ببرند، گویا از خاطره مبارک نرفته باشد حاصل گزارشات فراموشخانه و نتیجه محتمله بلکه مطمئن آن... بر دفع و اخراج ایشان شرف صدور یافت...

متن این نامه و عملکرد سیاسی - اجتماعی مرحوم حاج ملاعلی کنی مؤید این مطلب و واقعیت است که:

اولاً: وی نسبت به مسائل و سرنوشت مردم سخت حساس و دقیق بود.

و ثانیاً: به علت داشتن بینش عمیق فقهی، برداشتهای صحیح و حساب شده‌ای درباره مسائل جامعه داشت و طبیعتاً روش برخورد و سلوک سیاسی اش برخورد با مسائل مستحدثه و حوادث واقعه به دور از هر افراط و تفریط و اتباع هوی، بوده است و نهایتاً می‌توان در مورد مجموع کارها و تلاشهای آن مرحوم گفت که وی در رابطه با حفظ حدود و ثغور اسلام و مسلمین و کشور ایران، عالمی تلاشگر، موفق و سربلند در تاریخ (پنهان و واقعی) این ملت بود و حقی عظیم بر روحانیت شیعه در تاریخ مبارزاتش و بر انقلاب اسلامی دارد و در عصری که به حق باید ابتداء شخصیت‌های تاریخی ایران در یک بازنگری کلی در جایگاه واقعی و ارزشی خود قرار گرفته و سپس ریشه‌های انقلاب اسلامی و جنبش‌های یکصدسال اخیر و مبارزات روحانیت شیعه، از لحاظ تاریخی و ماهوی، مورد ارزیابی و تحقیق مجدد قرار گیرد، به جا است نام و عملکرد مبارزاتی و تلاشهای علمی و سیاسی و اجتماعی و اخلاقی مرحوم آیت الله حاج ملا علی کنی نیز دور از هیاهوی کاذب تاریخی و تحریفات آنچه‌نایی، مورد بررسی مجدد و عمیق قرار گیرد و چه نیکو بود اگر دستگاههای تبلیغاتی کشور به جای تکرار مداوم گفته‌ها و نوشته‌های مکرر در سالگرد و سالروز شخصتهای بعضاً نه چندان مهم، درصد بیشتر سرمایه‌ها و وقت و امکانات را، صرف تحقیقات گسترده‌ای برای شناخت ابعاد مختلف شخصیت ناشناخته‌های ذوابعدی چون مرحوم آیت الله ملا علی کنی کنند و نام مظلومین فراموش شده بزرگ تاریخ را احیاء کرده به تشنگان این سرچشمه ارائه دهند، و علاوه بر نمایاندن تاریخ واقعی و افزودن برغناهی فرهنگی و تاریخی ملت خود، شخصتهای تاریخی ناشناخته و ابعاد جدیدی از جریانات فکری - سیاسی آنها و عملکردهایشان را ارائه دهند و از تکرار مجدد مطالب گفته شده احتراز نمایند (و نمائیم) و علاوه بر این با طرح فرازهای جدید، افق دید را در شرایط انقلاب اسلامی، در مورد آینده، بازتر کنند و زمینه عبرت و درس آموزی بیشتر از تاریخ را فراهم سازند، چه برای خود و چه برای نسلهای آینده این مردم انقلابی.

برای جمع بندی آنچه از زندگی مرحوم آیت الله حاج ملا علی کنی گفته شده، قلم حسن ختام را به مرحوم محمد حسن خان اعتماد السلطنه (در کتاب المآثر والآثار) می‌سپاریم:

حاج مولی علی مجتهد کنی ساکن دارالخلافة، از عظماء علماء اسلام است، به عزت نفس و مناعت جانب از ابناء جنس، امتیاز داشت، اهل دیوان، وی را

رئیس المجتهدین می نوشتند و حق تعالی آن عالم عامل و فقیه کامل را به فرط ثروت و طول عمر و نفاذ امر اختصاص بخشیده بود، اکثر علماء و رؤسا طهران به تربیت و ترویج او اعتبار یافتند و به مدارج و مقامات رسیدند و جمعی از معاصرین در حق وی گستاخی می کردند و بی باکی می ورزیدند که او را مالاً و حالاً هرگونه قدرت و مزید ترویج شریعت و خدمت ملت بوجه کامل حاصل است و مع ذلک همتی جز جمع اموال و جمع املاک ندارد و لایخفی که این معنی اگر ثابت شود، شبه ترک اولی است و مقام آن صدر صفة اجتهاد از اعتراض و انتقاد اعلی است، بالجمله عمده تلمذ او بر شیخ الطائفه صاحب الجواهر بوده و در اصول فقه و رجال و غیرها تصنیفات فرموده و جامع نافعی را که در علم درایه و حدیث پرداخته است به طبع رسیده، اشتهار اعتبار این بزرگوار در دین و دولت و ملک و ملت به اعلی درجه کمال بود و وصیت بزرگی و عظمت شأنش از آسیا به سایر قسمت های کره ارض نیز رفته و همه جا را فرا گرفته بود، احترام و اکرامی که این پادشاه [ناصرالدین شاه] به این عالم عامل و فقیه کامل می فرمود کمتری از مجتهدین را نصیب افتاد، الحق وجودش مذهب جعفری را قوی و قوامی بود و شرع شریف را استظهاری و استحکامی، فوتش در بامداد پنجشنبه بیست و هفتم محرم الحرام سنه یک هزار و سیصد و شش هجری به سن هشتاد و شش تقریبی، در طهران اتفاق افتاد و از این رهگذر ثلثه غیر مسدود در اسلام پدید آمد و در تاریخ این سانحه گفته اند که:

زجنت شد یکی حورا برون با جلوه و گفتا علی در حنة الماوی علی را میهمان دارد
و بعد از اقامه مجلس فاتحه در طهران بلکه در جمیع بلاد ایران روز غره صفر سال
مذکور جنازه اش به جوار حضرت عبدالعظیم بن عبدالله الحسین علیه السلام با ازدحامی عام
و احترام تمام حمل افتاد و در مسجد عتیق بین الحرمین به خاک سپرده شد.

پایان

